



A Comparative Study of the Relationship between Rationality and Happiness in the Anthropological Foundations of Freedom from the Perspectives of Motahhari and Mill

Vol. 11
winter 2025

Masoumeh Zaeri Basir¹ | Mohammad Reza Hatami*² | Ahmad Bakhshaishi Ardestani³
Akbar Ashrafi⁴

Research Paper

Received:
2025/11/06
Revised:
2025/11/06
Accepted:
2025/11/06
Published:
2025/12/22
P.P: 167-188

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765



Abstract

The concept of freedom as the most central issue in political and moral philosophy, it has always been the focus of attention of various schools of thought. The distinction in the definitions of freedom offered is mainly due to the differences in the anthropological foundations of each school. Meanwhile, the views of John Stuart Mill as a prominent representative of Western Liberalism and the thoughts of Morteza Motahhari, as a renowned Islamic thinker, have a special place.

This study aims to explain the relationship between rationality and happiness (āāāāat) in the anthropological foundations of freedom through a comparative analysis of John Stuart Mill and Morteza Motahhari's perspectives. Using a descriptive-analytical method and relying on the original texts of these two thinkers, the research findings indicate that in Mill's philosophical framework, autonomous human rationality holds a central position, while happiness is realized as an earthly and empirical matter through individual rational choices. In this framework, freedom is primarily understood as "freedom from" interference (negative liberty), which provides the necessary ground for individual rational choices. In contrast, in Motahhari's thought, happiness as a metaphysical and divine ultimate end directs rationality, and freedom is conceptualized as "freedom for" the actualization of innate nature (positive liberty). This fundamental difference in the relationship between rationality and happiness stems from the distinct anthropological foundations of the two thinkers; while Mill's anthropology is secular and reason-centered, Motahhari's is religious and nature-centered.

Keywords: Rationality, Happiness (āāāāat), Freedom, Anthropological Foundation, John Stuart Mill, Morteza Motahhari.

1. Department of Political Science, Political Thought, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Full Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: m.hatami@pnu.ac.ir

3. Full Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Zaeri Basir, M; Hatami, M.R; Bakhshaishi Ardestani, A; Ashrafi, A (2025). A Comparative Study of the Relationship between Rationality and Happiness in the Anthropological Foundations of Freedom from the Perspectives of Motahhari and Mill. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(11), 167–188.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



مطالعه تطبیقی نسبت عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی

از دیدگاه مرتضی مطهری و جان استوارت میل

معصومه زائری بصیر^۱ || محمدرضا حاتمی^۲ || احمد بخشایشی اردستانی^۳ || اکبر اشرفی^۴

چکیده

مفهوم آزادی به عنوان محوری‌ترین مسئله در فلسفه سیاسی و اخلاقی، همواره در کانون توجه مکاتب فکری مختلف قرار داشته است. تمایز در تعاریف ارائه شده از آزادی عمدتاً ناشی از تفاوت در مبانی انسان‌شناختی هر مکتب است. در این میان، آرای جان استوارت میل به عنوان نماینده برجسته لیبرالیسم غربی و اندیشه‌های مرتضی مطهری به عنوان متفکر نامدار اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با هدف تبیین نسبت میان عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی، به مطالعه تطبیقی آرای جان استوارت میل و مرتضی مطهری می‌پردازد. با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به متون اصلی این دو اندیشمند، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در منظومه فکری میل، عقلانیت خودبنیاد انسانی جایگاه محوری دارد و سعادت به مثابه امری زمینی و تجربی، در پرتو انتخاب‌های عقلانی فرد تحقق می‌یابد. در این چارچوب، آزادی عمدتاً به معنای «آزادی از» مداخله (آزادی منفی) فهمیده می‌شود که بستر لازم برای انتخاب‌های عقلانی فرد فراهم می‌سازد. در مقابل، در اندیشه مطهری، سعادت به عنوان غایتی متافیزیکی و الهی، جهت‌دهنده عقلانیت است و آزادی در قالب «آزادی برای» شکوفایی فطرت (آزادی مثبت) معنا می‌یابد. این تفاوت بنیادین در نسبت عقلانیت و سعادت، ریشه در مبانی انسان‌شناختی متمایز این دو اندیشمند دارد؛ درحالی که انسان‌شناسی میل سکولار و عقل‌محور است، انسان‌شناسی مطهری دینی و فطرت‌محور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت، سعادت، آزادی، مبانی انسان‌شناختی، جان استوارت میل، مرتضی مطهری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: m.hatami@pnu.ac.ir

۳. استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

استناد: زائری بصیر، معصومه؛ حاتمی، محمدرضا؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ اشرفی، اکبر، (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی نسبت عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی از دیدگاه مرتضی مطهری و جان استوارت میل، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۱۱(۴)، ۱۶۷-۱۸۸.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسدگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

مفهوم آزادی به عنوان محوری‌ترین مسئله در فلسفه سیاسی و اخلاقی، همواره در کانون توجه مکاتب فکری مختلف قرار داشته است. تمایز در تعاریف ارائه شده از آزادی عمدتاً ناشی از تفاوت در مبانی انسان‌شناختی هر مکتب است. در این میان، آرای جان استوارت میل به عنوان نماینده برجسته لیبرالیسم غربی و اندیشه‌های مرتضی مطهری به عنوان متفکر نامدار اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. میل در اثر شاخص خود «درباره آزادی» (۱۸۵۹)، آزادی را در چارچوب عقلانیت سودمحور و فایده‌گرایانه تعریف می‌کند که در آن سعادت به مثابه حصول لذات و الا از طریق انتخاب‌های عقلانی فرد تحقق می‌یابد. در مقابل، مطهری در آثار متعددی همچون «آزادی معنوی» (۱۳۵۷) با تکیه بر مبانی اسلامی، آزادی را مسیری برای شکوفایی فطرت الهی انسان و وصول به سعادت حقیقی می‌داند. مسئله بنیادین این است که نسبت میان عقلانیت و سعادت به عنوان دو رکن اساسی در انسان‌شناسی این دو متفکر، چگونه تعریف شده است؟ در اندیشه میل، عقلانیت خودبنیاد بشری مسیر رسیدن به سعادت تلقی می‌شود، حال آنکه در منظومه فکری مطهری، سعادت مبتنی بر وحی، غایت و جهت‌دهنده عقلانیت است. این تفاوت در ترتیب و تقدم سعادت و عقلانیت، موجب شکل‌گیری دو خوانش متمایز از آزادی شده است. بررسی تطبیقی این دو دیدگاه می‌تواند زوایای پنهان مبانی انسان‌شناختی آزادی را در دو سنت فکری غرب و اسلام روشن سازد. اگرچه مطالعات متعددی به صورت جداگانه به اندیشه‌های هر یک از این دو متفکر پرداخته‌اند، اما پژوهش‌های تطبیقی درخصوص نسبت سعادت و عقلانیت در مبانی انسان‌شناختی آزادی همچنان مغفول مانده است. این مقاله در پی پر کردن این خلأ پژوهشی از طریق واکاوی تطبیقی آثار این دو اندیشمند است. اهمیت این پژوهش در آن است که نشان می‌دهد چگونه فهم ما از آزادی متأثر از چینش خاص مفاهیم بنیادین انسان‌شناختی است. به عبارت دیگر، نسبت میان عقلانیت و سعادت به عنوان دو مفهوم کانونی، سرنوشت تفسیر ما از آزادی را رقم می‌زند. از این رو، واکاوی این نسبت در دو نظام فکری مختلف می‌تواند به درک عمیق‌تری از چیستی آزادی و شروط تحقق آن بینجامد.

سوالات تحقیق

این پژوهش در پی پاسخگویی به سوال اصلی زیر است:

سوال اصلی: نسبت میان عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی از دیدگاه مرتضی مطهری و جان استوارت میل چگونه است؟

برای تبیین دقیق‌تر این پرسش، سوالات فرعی زیر طرح می‌گردد:

- ۱- مبانی انسان‌شناختی (ماهیت انسان، فطرت، غایت) در اندیشه میل و مطهری چه تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند؟
- ۲- از منظر هر یک از این دو اندیشمند، عقلانیت چه جایگاه و کارکردی در مسیر رسیدن به سعادت دارد؟
- ۳- دلالت‌های انسان‌شناختی حاصل از نسبت عقلانیت و سعادت، چگونه به دو خوانش متفاوت از آزادی (منفی و مثبت) در اندیشه این دو منجر می‌شود؟

فرضیه تحقیق

فرضیه این پژوهش آن است که «جهت رابطه میان عقلانیت و سعادت»، فهم تمایز در مفهوم آزادی نزد این دو متفکر است. به این ترتیب که:

در اندیشه جان استوارت میل، رابطه به صورت عقلانیت → سعادت است؛ یعنی عقلانیت خودبنیاد انسانی، مسیر و محتوای سعادت را تعریف می‌کند و آزادی، بستری برای تجلی این عقلانیت است (آزادی منفی).

در اندیشه مرتضی مطهری، رابطه به صورت سعادت → عقلانیت است؛ یعنی سعادت از پیش تعریف شده (قرب الهی)، جهت‌دهنده و غایت عقلانیت است و آزادی، وسیله‌ای برای حرکت به سوی این سعادت است (آزادی مثبت).

این تفاوت در ترتیب و تقدم، ریشه در مبانی انسان‌شناختی متمایز (سکولار در مقابل دینی) دارد.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به مباحثی که در زمینه آزادی اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری و جان استوارت میل مطرح می‌شود، از مفاهیم نظری بهره گرفته شده است که عقلانیت، سعادت، آزادی، مبانی انسان‌شناختی و... از آن جمله‌اند که در ذیل به آنها پرداخته خواهد شد.

عقلانیت: عقل بر تشخیص حق و باطل در اندیشه‌ها، و تشخیص منفعت و ترجیح آن بر شر و ضرر در خصلت‌ها و عملکردها و کنترل و مهار نفس و منع آن از شورش و طغیان علیه تشخیص و ترجیح عقل و استقرار قلب بر امر احسن مورد گزینش (تحقق یقین ملازم ایمان) و عزم بر بسیج قوای درون و برون جهت تحقق امر احسن گزینش شده دلالت می‌کند (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵). در این پژوهش، عقلانیت به معنای قوه ادراک، استدلال و انتخاب‌گری انسان در نظر گرفته می‌شود که در منظومه فکری میل، ماهیتی خودبنیاد و سکولار دارد و عمدتاً در خدمت محاسبه سود و لذت عمل می‌کند، و در اندیشه مطهری، در چارچوب وحی و جهت‌دهی فطرت الهی معنا می‌یابد.

سعادت: مقصود از سعادت، غایت نهایی و خیر اعلی برای انسان است که در اندیشه میل، امری زمینی، تجربی و متکی بر حصول لذات والای عقلی تعریف می‌شود، و در نگاه مطهری، امری متافیزیکی، قائم به ذات الهی و معطوف به "قرب به خدا" و شکوفایی فطرت است.

آزادی: این پژوهش آزادی را در دو سطح می‌سنجد: «آزادی منفی» (آزادی از مداخله) که در کانون توجه میل است، و «آزادی مثبت» (آزادی برای شکوفایی) که محور اندیشه مطهری را تشکیل می‌دهد.

مبانی انسان‌شناختی: مراد از مبانی انسان‌شناختی، مجموعه مفروضات بنیادین هر اندیشمند درباره ماهیت، فطرت، استعدادها و غایت نهایی انسان است که به عنوان زیرساخت نظریه آزادی او عمل می‌کند. عقلانیت به عنوان مفهومی محوری در سه سطح عقل ابزاری، عقل عملی و عقل نظری تعریف می‌شود. عقل ابزاری به قابلیت محاسبه کارآمدترین وسایل برای دستیابی به اهداف مشخص اطلاق می‌گردد (Weber, 2020: 90). عقل عملی به توانایی تعیین غایات و اهداف زندگی اشاره دارد (Strathern, 2019: 41) و عقل نظری شامل قوه ادراک حقایق و شناخت واقعیت‌های جهان می‌شود (Novas, 2018: 32). در سنت اسلامی، عقل از ابعاد چهارگانه‌ای

برخوردار است که بعد عقل شهودی یا قلب را نیز در بر می‌گیرد و به عنوان ابزار شناخت حقایق متافیزیکی عمل می‌کند (مطهری، ۱۳۹۸: ۸۳).

مفهوم سعادت به عنوان دومین مفهوم بنیادین، در دو خوانش مختلف قابل بررسی است. در سنت یونانی، ارسطو سعادت^۱ را به معنای شکوفایی استعدادهای ذاتی انسان و زندگی فضیلت‌محور تعریف می‌کند (Aristotle, 2021: 15-19). در مقابل، لذت^۲ به عنوان رویکردی معطوف به کسب خوشی و اجتناب از درد فهمیده می‌شود (Williams, 2020: 63). در منظومه فکری اسلامی، سعادت دارای دو بُعد دنیوی و اخروی است که سعادت اخروی غایت نهایی انسان تلقی می‌شود (آقاجانی، ۱۳۹۹: ۱۰). مطهری سعادت را به مثابه حرکت به سوی کمال وجودی و تقرب به خداوند تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۹۷: ۲۵۰). در حالی که میل با تأثیر از فایده‌گرایی، سعادت را به معنای حصول لذات عالی و تعالی ظرفیت‌های آن می‌فهمد (Mill, 2019: 20).

مبانی انسان‌شناختی به عنوان مفهوم سوم، شامل مجموعه‌ای از مفروضات و انگاره‌های هر مکتب فکری درباره ماهیت انسان، فطرت، استعدادها و غایت نهایی اوست (Jonas, 2021: 12). در انسان‌شناسی اسلامی، انسان دارای فطرتی الهی است که او را به سوی کمال و تعالی هدایت می‌کند (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۴). در حالی که در انسان‌شناسی لیبرال، انسان موجودی عقلانی و خودمختار تصور می‌شود که در پی تحقق خیرات فردی است (Kant, 2020: 55). نسبت این سه مفهوم با آزادی در چارچوب نظری حاضر بدین صورت تبیین می‌شود که تعریف هر مکتب از آزادی، متأثر از فهم آن از عقلانیت، سعادت و مبانی انسان‌شناختی است. به بیان دیگر، رابطه بین عقلانیت و سعادت در هر نظام فکری، شکل خاصی از آزادی را تولید می‌کند. در اندیشه میل، عقلانیت ابزاری در خدمت تحقق سعادت به مثابه لذت عالی قرار می‌گیرد و آزادی به عنوان شرط ضروری این فرآیند تعریف می‌شود (Mill, 2021: 77). در مقابل، در اندیشه مطهری، سعادت اخروی به عنوان غایت نهایی، جهت‌دهنده عقلانیت است و آزادی در خدمت حرکت به سوی این سعادت معنا می‌یابد (مطهری، ۱۳۹۷: ۸۸). بنابراین می‌توان گفت که نسبت دیالکتیکی میان عقلانیت و سعادت در هر مکتب فکری، تعیین‌کننده حدود و ثغور مفهوم آزادی در آن مکتب است. در سنت لیبرال، عقلانیت خودبنیاد انسانی مقدم بر سعادت است و آزادی به عنوان بستری

1 . Eudaimonia

2 . Hedonia

برای تحقق این عقلانیت فهمیده می‌شود، حال آنکه در سنت اسلامی، سعادت حقیقی به عنوان غایت نهایی، جهت دهنده عقلانیت و معنابخش آزادی است. این تفاوت در تقدم و تأخر عقلانیت و سعادت، منجر به شکل‌گیری دو خوانش متمایز از آزادی می‌شود که یکی بر استقلال فردی و دیگری بر کمال اخلاقی تأکید می‌ورزد.

پیشینه پژوهش

شرفانی و معرفت (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «کاوشی تحلیلی و مقایسه‌ای بر انواع آزادی از دیدگاه اسلام و غرب»، به بررسی مفهومی، تقسیم‌بندی‌ها و حدود آزادی از منظر اسلامی و مقایسه آن با مفهوم آزادی در غرب می‌پردازند. آنها با روشی توصیفی-تحلیلی، انواع مختلف آزادی از جمله آزادی فردی و اجتماعی، منفی و مثبت، مادی و معنوی، و مطلق و محدود را تحلیل کرده و تأکید می‌کنند که از نگاه اسلام، آزادی وسیله‌ای برای رسیدن به کمال و سعادت انسانی است و ذاتاً با قیود عقلی، وحی و قانون محدود می‌شود تا از تبدیل شدن به بی‌بندوباری جلوگیری کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در مبانی انسان‌شناختی آن ریشه دارد؛ در حالی که آزادی در غرب غالباً بر محور امیال و خواسته‌های بشری تعریف می‌شود، در اسلام آزادی حقیقی است که از استعدادهای متعالی انسان نشأت می‌گیرد و اهداف آن باید در راستای قرب الهی باشد. همچنین نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که اسلام با تفکیک آزادی اندیشه از آزادی عقیده، اولی را به طور مطلق می‌پذیرد و بر آن تأکید می‌ورزد، اما دومی را به دلیل پیوندش با هویت ایمانی، نپذیرفته و تبلیغ عقاید ناسالم را در جامعه اسلامی مجاز نمی‌داند.

شریعت (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «آزادی به مثابه گفتمان در ایده‌آلیسم غربی» با رویکردی تحلیلی-مقایسه‌ای به واکاوی مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی غرب می‌پردازد. نویسنده با بررسی «برش‌های مفهومی» در سنت ایده‌آلیسم غربی - از فلسفه یونان باستان (سقراط، افلاطون، ارسطو) تا دوره مدرن (هابز، لاک) - استدلال می‌کند که آزادی یک مفهوم ثابت، جهان‌شمول و بی‌منزاع نبوده، بلکه به عنوان یک «گفتمان» زمینه‌مند، در هر دوره تاریخی معنایی خاص و متغیر داشته است. به طور مشخص، او تحول این گفتمان را از «آزادی به مثابه فضیلت» در عهد باستان، به «آزادی به مثابه امنیت مطلقه» نزد هابز، و در نهایت به «آزادی به مثابه مالکیت مطلقه» در اندیشه

جان لاک پی می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که قلب تپنده و موتور محرک آزادی در غرب مدرن، نه فضیلت یا امنیت، بلکه «مالکیت مطلقه» است که لاک آن را بنیان نهاد. نویسنده نتیجه می‌گیرد که آزادی در غرب یک مفهوم واحد و انتزاعی نیست، بلکه یک سازه گفتمانی است که ماهیت، حدود و کارکرد آن به طور جدی به شرایط تاریخی، اجتماعی و فلسفی خاص هر دوره وابسته است. بنابراین، هرگونه تلاش برای در نظر گرفتن آن به عنوان مفهومی عام و قابل تعمیم به همه جوامع را غیرتاریخی و غیرعلمی می‌داند.

عباسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آزادی و مبانی آن از دیدگاه شهید مطهری» به تبیین نظام‌مند اندیشه‌های استاد مرتضی مطهری درباره مفهوم، ابعاد، ضرورت و حدود آزادی می‌پردازد. این پژوهش با استناد به آثار متعدد شهید مطهری نشان می‌دهد که از نگاه وی، آزادی نه تنها با اسلام ناسازگار نیست، بلکه موهبتی الهی، فطری و از ضروریات حیات و تکامل انسان به شمار می‌رود. نویسنده با بررسی مفاهیمی همچون آزادی منفی (رفع موانع بیرونی) و آزادی مثبت (خودآگاهی و حرکت به سوی کمال)، آزادی اجتماعی (رهایی از استثمار و استبداد دیگران) و آزادی معنوی (رهایی از بندگی هوای نفس)، بر این نکته تأکید می‌کند که شهید مطهری آزادی را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال انسانی می‌داند، نه هدفی نهایی. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که از منظر شهید مطهری، آزادی مطلق و بی‌قیدوبند مورد پذیرش نیست و حدود آن با معیارهای عقل، شرع و مصالح فرد و جامعه تعیین می‌شود. یکی از تمایزات مهم در اندیشه وی، تفکیک «آزادی اندیشه» (که به طور مطلق مورد تأکید اسلام است) از «آزادی عقیده» (که اگر بر پایه تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه فکری باشد، به منزله اسارت و مردود است) می‌باشد. در نتیجه، از نگاه شهید مطهری، اسلام با تضمین آزادی بیان و تضارب آراء، زمینه ساز شکوفایی حقیقت و بقای خود شده است.

سوزنچی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «حل پارادوکس آزادی در اندیشه شهید مطهری» به تحلیل دو پارادوکس بنیادین در مفهوم آزادی می‌پردازد. وی با اتکا به آرای شهید مطهری نشان می‌دهد که آزادی به معنای نفی مطلق محدودیت نیست، بلکه ارزش آن وابسته به «هدف» است و تنها موانعی که مسیر تحقق اهداف متعالی انسان را سد می‌کنند، باید برداشته شوند. به عبارت دیگر، آزادی واقعی در گرو حرکت به سمت کمال حقیقی است و محدودیت‌های مشروع، نه تنها

نافی آزادی نیستند، بلکه زمینه‌ساز تحقق آن هستند. در مواجهه با پارادوکس دوم - که نسبت آزادی با دینداری و تعارض ظاهری میان «لا اکراه فی الدین» و تکالیفی مانند جهاد و امر به معروف است - سوزنچی با بهره‌گیری از تمایز کلیدی مطهری میان «آزادی فکر» و «آزادی عقیده» به این مسئله می‌پردازد. از این منظر، آزادی فکر که مبتنی بر تعقل و جست‌وجوی حقیقت است، مطلقاً مورد تأیید اسلام است؛ اما آزادی عقیده که ممکن است بر پایه تقلید کورکورانه یا عوامل غیرعقلانی شکل گیرد، به خودی خود محترم شمرده نمی‌شود. این تمایز، امکان جمع میان نفی اجبار در دین و الزام به اجرای تکالیف اجتماعی را فراهم می‌سازد.

حجت حاتمی‌پوری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جان استوارت میل: فایده‌گرایی عمل‌محور یا قاعده‌محور؟» به حلّ یکی از مجادلات اصلی در تفسیر فلسفه اخلاقی جان استوارت میل می‌پردازد. نویسنده با واکاوی آثار میل و نیز آرای مفسرانی همچون ارمسون، کریسپ و اسمارت، از قرائت قاعده‌محورانه از فایده‌گرایی میل دفاع می‌کند. بر این اساس، میل اصل فایده (حداکثر کردن سعادت عمومی) را نه به صورت مستقیم و در هر عمل خاص، بلکه به صورت غیرمستقیم و از طریق قواعد اخلاقی کلی به کار می‌بندد. این قواعد که خود بر مبنای اصل فایده و تجربه تاریخی بشر وضع شده‌اند، دارای اعتبار ذاتی هستند و تنها در موارد تعارض قواعد یا برای بازنگری در خود قواعد می‌توان به اصل اولیه فایده رجوع کرد. این پژوهش با ارائه هفت استدلال و پنج شاهد متنی از آثار میل نشان می‌دهد که تفسیر قاعده‌محورانه بهتر می‌تواند به مؤلفه‌هایی مانند جمع‌گرایی میل، ارزش ذاتی فضایل، تأکید بر پرورش نفس و تربیت اخلاقی، و تمایز میان تکالیف کامل و ناقص (واجب و مستحب) پاسخ دهد. در مقابل، تفسیرهای عمل‌محور در تبیین این وجوه از نظام فکری میل با دشواری مواجه هستند. نتیجه‌نهایی آن که از منظر نویسنده، میل یک فایده‌گرایی قاعده‌محور است که برای قواعد اخلاقی به‌عنوان واسطه‌ای ضروری برای تحقق غایت‌نهایی (سعادت همگانی) جایگاهی رفیع و مستقل قائل است.

بوربوری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی جان استوارت میل و هربرت اسپنسر» به بررسی تطبیقی آرای این دو فیلسوف پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جان استوارت میل با تمرکز بر سه نوع آزادی فکری، سلیقه‌ای و اجتماعی، آزادی فردی را شرط لازم برای شکوفایی شخصیت و پیشرفت جامعه می‌داند و تنها محدودیت قابل قبول

برای آن را جلوگیری از آسیب به دیگران معرفی می‌کند. از سوی دیگر، هربرت اسپنسر با اتکا به رویکرد تکاملی، بر «قانون آزادی برابر» تأکید دارد و آزادی اقتصادی را مقدم بر آزادی سیاسی قلمداد می‌کند. وی نقش دولت را صرفاً در حفاظت از حقوق فردی و نظارت بر عدالت می‌پندارد. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه هر دو متفکر بر اصالت فرد تأکید دارند، اما میل بر جنبه‌های فکری و سیاسی آزادی تمرکز دارد، در حالی که اسپنسر بر جنبه‌های اقتصادی و تطبیق با قوانین تکامل طبیعی اصرار می‌ورزد.

با وجود کیفیت تحلیلی مطالعات پیش گفته، خلأ اصلی که این پژوهش به آن می‌پردازد، تمرکز بر شالوده مشترک انسان‌شناختی و به طور خاص، واکاوی "نسبت عقلانیت و سعادت" به عنوان کلید فهم تمایز در مفهوم آزادی است. این مقاله با پذیرش یافته‌های محققان پیشین (مانند تأکید شریفانی و شریعت بر تفاوت مبانی انسان‌شناختی، یا تحلیل عباسی و سوزنجی از آزادی مثبت مطهری)، گام را فراتر نهاده و با ارائه الگویی نظری از جهت رابطه این دو مفهوم (عقلانیت → سعادت در میل در مقابل سعادت → عقلانیت در مطهری)، به تبیین علت شکل‌گیری خوانش‌های متفاوت از آزادی می‌پردازد.

جدول ۱. پیشینه و ادبیات تحقیق

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	شریفانی و معرفت (۱۴۰۱)	کاوشی تحلیلی و مقایسه‌ای بر انواع آزادی از دیدگاه اسلام و غرب	توصیفی-تحلیلی	مهم‌ترین تفاوت اسلام و غرب در مبانی انسان‌شناختی آن ریشه دارد؛ در حالی که آزادی در غرب غالباً بر محور امیال و خواسته‌های بشری تعریف می‌شود، در اسلام آزادی حقیقی است که از استعدادهای متعالی انسان نشأت می‌گیرد و اهداف آن باید در راستای قرب الهی باشد.
۲	شریعت (۱۳۹۶)	آزادی به مثابه گفتمان در ایده‌آلیسم غربی	تحلیلی-مقایسه‌ای	آزادی در غرب یک مفهوم واحد و انتزاعی نیست، بلکه یک سازه گفتمانی است که ماهیت، حدود و

ردیف	نویسنده/ نویسنده‌گان(سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
				کارکرد آن به طور جدی به شرایط تاریخی، اجتماعی و فلسفی خاص هر دوره وابسته است.
۳	عباسی (۱۳۹۳)	آزادی و مبانی آن از دیدگاه شهید مطهری	توصیفی-تحلیلی	از منظر شهید مطهری، آزادی مطلق و بی‌قیدوبند مورد پذیرش نیست و حدود آن با معیارهای عقل، شرع و مصالح فرد و جامعه تعیین می‌شود.
۴	سوزنچی (۱۳۸۳)	حل پارادوکس آزادی در اندیشه شهید مطهری	توصیفی-تحلیلی	آزادی به معنای نفی مطلق محدودیت نیست، بلکه ارزش آن وابسته به «هدف» است و تنها موانعی که مسیر تحقق اهداف متعالی انسان را سد می‌کنند، باید برداشته شوند.
۵	حجت حاتمی‌پوری (۱۳۹۷)	جان استوارت میل: فایده‌گرایی عمل‌محور یا قاعده‌محور؟	توصیفی-تحلیلی	میل یک فایده‌گرایی قاعده‌محور است که برای قواعد اخلاقی به عنوان واسطه‌ای ضروری برای تحقق غایت نهایی (سعادت همگانی) جایگاهی رفیع و مستقل قائل است.
۶	بوربوری (۱۳۹۹)	مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی جان استوارت میل و هربرت اسپنسر	توصیفی-تحلیلی	اگرچه میل و اسپنسر متفکر بر اصالت فرد تأکید دارند، اما میل بر جنبه‌های فکری و سیاسی آزادی تمرکز دارد، در حالی که اسپنسر بر جنبه‌های اقتصادی و تطبیق با قوانین تکامل طبیعی اصرار می‌ورزد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین نسبت میان عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی، به مطالعه تطبیقی آرای مرتضی مطهری و جان استوارت میل می‌پردازد. روش اصلی این تحقیق،

تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تطبیقی است. این روش به دلیل دارا بودن مراحل نظام‌مند برای استخراج، طبقه‌بندی و تفسیر داده‌های متنی، امکان واکاوی عمیق و عینی متون را فراهم می‌سازد. در این روش، با مراجعه به متون اصلی دو اندیشمند شامل کتاب‌های «درباره آزادی» و «فایده‌گرایی» اثر جان استوارت میل و آثار مرتضی مطهری از جمله «آزادی معنوی»، «عدل الهی» و «انسان و سرنوشت»، به استخراج و تحلیل مبانی انسان‌شناختی آنان پرداخته می‌شود. همچنین از شرح‌ها و تفاسیر معتبر مربوط به هر یک از این اندیشمندان برای فهم دقیق‌تر آراء ایشان استفاده خواهد شد. در گام اول، ضمن توصیف نظام‌مند مؤلفه‌های انسان‌شناختی در اندیشه هر دو متفکر، با تحلیل این مؤلفه‌ها، نسبت میان عقلانیت و سعادت را در هر نظام فکری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله تطبیقی، این پژوهش با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای ساختاری، به تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های دو منظومه فکری در سه سطح مبانی انسان‌شناختی، نسبت عقلانیت و سعادت، و دلالت‌های آن برای مفهوم آزادی می‌پردازد. معیار تطبیق، بررسی جایگاه و نسبت این دو مفهوم در هر نظام فکری و تأثیر آن بر تعریف آزادی خواهد بود. در این مسیر، با توجه به بافتار تاریخی و فرهنگی متمایز هر یک از این اندیشمندان، از تقلیل‌گرایی و تفسیرهای خارج از متن پرهیز می‌شود. در نهایت، با ترکیب یافته‌های توصیفی و تحلیلی، الگوی نظری روشنی از نسبت عقلانیت و سعادت در هر دو نظام فکری ارائه خواهد شد.

مبانی انسان‌شناختی آزادی در اندیشه جان استوارت میل

ماهیت انسان

میل در چارچوب فایده‌گرایی، انسان را موجودی عقلانی و دنبال‌کننده سود و لذت تعریف می‌کند که غایت اصلی او به حداکثر رساندن مطلوبیت و خوشبختی است (Mill, 2019: 33). از دیدگاه میل، انسان موجودی است که ذاتاً به دنبال کسب لذت و اجتناب از درد است، اما تمایز انسان در توانایی او برای محاسبه عقلانی و انتخاب لذات والاتر نهفته است (Gray, 2019: 19).

جایگاه عقلانیت

در انسان‌شناسی میل، عقلانیت جایگاه محوری دارد و به عنوان ابزاری برای محاسبه سود و لذت و انتخاب بهترین وسایل برای رسیدن به اهداف عمل می‌کند (Mill, 2021: 99). میل در اثر کلاسیک خود «فایده‌گرایی» تأکید می‌کند که عقلانیت انسانی نه تنها قادر به تمایز بین لذات کمی است، بلکه می‌تواند بین لذات متفاوت از نظر کیفی نیز تمایز قائل شود (Mill, 2019: 114). این عقلانیت محاسبه‌گر به انسان امکان می‌دهد تا با در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت، به انتخاب بهترین مسیر برای تحقق سعادت دست بزند (Thompson, 2021: 311).

تعریف سعادت

از نظر میل، سعادت نه به معنای لذت آنی و گذرا، بلکه به مثابه «لذات والای عقلی» تعریف می‌شود که از طریق تجربه و آزادی به دست می‌آید (Mill, 2021: 119). این سعادت در گرو رشد و توسعه استعدادهای انسانی و تعالی ظرفیت‌های فکری و اخلاقی فرد است (Gray, 2019: 17).

نسبت عقلانیت و سعادت

نسبت بین عقلانیت و سعادت در اندیشه میل به این صورت است که عقلانیت، مسیر دستیابی به سعادت است که توسط خود انسان تعریف شده است (Mill, 2019: 121). در این چارچوب، عقلانیت ابزاری در خدمت تحقق سعادت قرار می‌گیرد که مبتنی بر ترجیحات و ارزش‌های فردی است (Thompson, 2021: 313). این رابطه دیالکتیکی منجر به شکل‌گیری تعریف خاصی از آزادی می‌شود که میل آن را به مثابه «عدم دخالت» یا آزادی منفی در انتخاب‌های عقلانی فرد می‌داند (Mill, 2021: 122).

دلالت برای مفهوم آزادی

از دیدگاه میل، آزادی عبارت است از حق هر فرد در تعقیب سعادت شخصی خود، به شرطی که به دیگران ضرری نرساند (Mill, 2019: 89). این اصل «عدم ضرر» به عنوان مرز آزادی فردی عمل می‌کند و تضمین می‌نماید که اعمال شخصی منجر به محدودیت آزادی دیگران نشود.

(Gray,2019:32). میل در اثر مشهور خود «درباره آزادی» استدلال می‌کند که جامعه تنها زمانی می‌تواند در آزادی فرد دخالت کند که اعمال او به دیگران آسیب برساند (Mill,2021:125). این دیدگاه مبتنی بر این پیش‌فرض انسان‌شناختی است که افراد بهترین قضاوت‌کنندگان در مورد منافع خود هستند و عقلانیت آنان قادر به هدایت‌شان به سوی سعادت واقعی است. (Thompson,2021:103) از نگاه میل، آزادی نه تنها به عنوان یک حق فردی، بلکه به عنوان شرط ضروری برای رشد و کمال انسان و پیشرفت جامعه تلقی می‌شود. (Mill,2019:243) او معتقد است که محیط آزاد، امکان آزمایش شیوه‌های مختلف زندگی را فراهم می‌آورد و از این طریق به کشف راه‌های بهتر برای تحقق سعادت انسانی کمک می‌کند. (Gray,2019:54) در این انسان‌شناسی، آزادی بیان و آزادی اندیشه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، چرا که امکان تصحیح خطاها و رسیدن به حقیقت را ممکن می‌سازند. (Mill,2021:110) به طور کلی، می‌توان گفت که مبانی انسان‌شناختی میل، مبتنی بر سه اصل اساسی است: اول، عقلانیت انسان به عنوان ابزار کشف مسیر سعادت؛ دوم، سعادت به عنوان لذات والای عقلی که از طریق تجربه و آزادی محقق می‌شود؛ و سوم، آزادی به عنوان شرط ضروری برای رشد و تعالی انسان. (Thompson,2021:14) این سه اصل در کنار یکدیگر منظومه فکری منسجمی را تشکیل می‌دهند که در آن آزادی فردی سنگ بنای تحقق سعادت جمعی است. (Mill,2019:17) از این منظر، جامعه‌ای می‌تواند به سعادت واقعی دست یابد که در آن افراد از آزادی لازم برای کشف مسیرهای مختلف زندگی و انتخاب راهی که با طبیعت و استعدادهاشان سازگار است، برخوردار باشند. (Gray,2019:311) این دیدگاه انسان‌شناختی تأثیر ژرفی بر شکل‌گیری لیبرالیسم مدرن داشته و تا به امروز به عنوان یکی از ارکان مهم فلسفه سیاسی غرب باقی مانده است. (Thompson,2021:12) این تفسیر از آزادی مثبت که بر رهایی از موانع درونی برای شکوفایی فطرت تأکید دارد، در راستای تحلیل سوزنچی (۱۳۸۳) از «حل پارادوکس آزادی» و یافته‌های عباسی (۱۳۹۳) در تبیین مبانی آزادی از دیدگاه مطهری است. این پژوهش با پذیرش این چارچوب، علت این نگاه را در تقدم سعادت متافیزیکی بر عقلانیت در انسان‌شناسی وی جستجو می‌کند. دلیل اصلی که بر اساس آن می‌توان آزادی از دیدگاه میل را در زمره «آزادی منفی» قرار داد، تمرکز بنیادین او بر نفی مداخله و رفع موانع بیرونی است. استدلال میل این است که سعادت

فردی، زمانی محقق می‌شود که هیچ نیروی خارجی (چه حکومت و چه جامعه) مانع انتخاب‌ها و تجربیات عقلانی او نشود. غایت نهایی در اینجا، خود «حق انتخاب بدون مزاحمت» فرد است. بنابراین، آزادی میل عمدتاً پاسخی است به این پرسش که «فرد باید از چه چیزی آزاد باشد؟» و نه «آزادی برای دستیابی به چه چیزی؟». معیار او برای سنجش آزادی، میزان فقدان اجبار بیرونی است، نه سطح کمال یا فضیلتی که فرد به آن دست می‌یابد.

مبانی انسان‌شناختی آزادی در اندیشه مرتضی مطهری

آزادی از موضوعات بسیار مهم و بنیادین در تفکر و فرهنگ اسلامی است. آن چیزی که آزادی را حق مسلم بشر قرار می‌دهد برخلاف تصور بسیاری از فیلسوفان غرب، هوی و اراده فرد نیست، بلکه استعدادی است که آفرینش برای سیر تکامل به وی داده است (فتحی، ۱۳۹۲: ۳۲). از آنجا که آزادی یکی از مفاهیم اساسی در گفتمان فکری جمهوری اسلامی ایران است (میراحمدی، ۱۳۹۴: ۹۰) بنابراین پرداختن به این مفهوم اساسی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نقش مهمی در تحلیل و تبیین حکومت اسلامی دارد. در ذیل مباحث به ماهیت انسان، جایگاه عقلانیت، سعادت، نسبت عقلانیت و سعادت و دلالت برای مفهوم آزادی در مبانی انسان‌شناختی آزادی از دیدگاه شهید مطهری پرداخته خواهد شد.

ماهیت انسان

مطهری با تکیه بر مبانی اسلامی، انسان را موجودی دارای فطرت الهی و کمال‌طلب تعریف می‌کند که گرایش ذاتی به سوی کمال مطلق و تعالی معنوی در نهاد او نهفته است (مطهری، ۱۳۹۸: ۳۳۰). از دیدگاه وی، انسان موجودی است دو ساحتی که هم دارای بعد مادی است و هم بعد معنوی، ولی غلبه با بعد معنوی و الهی اوست (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۸). فطرت الهی انسان به معنای داشتن استعدادها و گرایش‌های فطری به سوی حقیقت، زیبایی و خیر است که او را از سایر موجودات متمایز می‌سازد (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۸۰).

جایگاه عقلانیت

در این انسان‌شناسی، عقلانیت جایگاه ویژه‌ای دارد اما نقش آن با نگاه میل اساساً متفاوت است. عقل از دیدگاه مطهری به عنوان ابزاری برای کشف حقایق و شناخت مسیر کمال عمل می‌کند که در خدمت دین و وحی قرار دارد (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۴۰). وی در کتاب «عدل الهی» تأکید می‌کند که عقل انسان اگرچه توانایی کشف بسیاری از حقایق را دارد، اما به تنهایی برای هدایت انسان کافی نیست و نیاز به مکمل وحیانی دارد (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۹). این عقلانیت در منظومه فکری مطهری دارای ابعاد مختلفی است: بعد شناختی که به درک حقایق هستی می‌پردازد، بعد عملی که مسیر رسیدن به کمال را تشخیص می‌دهد، و بعد ارزشی که خوب و بد را تمیز می‌دهد (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۸۸).

تعریف سعادت

از نظر مطهری، سعادت به معنای «قرب به خداوند» و شکوفایی فطرت الهی است که به عنوان غایت از پیش تعریف شده برای انسان در نظر گرفته می‌شود (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۹۲). این سعادت در گرو حرکت در مسیر بندگی و عبودیت و کسب کمالات معنوی است (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۳۰). سعادت حقیقی از دیدگاه وی تنها در پرتو شناخت خداوند و عمل به تکالیف دینی تحقق می‌یابد و سعادت‌های مادی و دنیوی اگر در این مسیر قرار نگیرند، پوچ و بی‌معنا خواهند بود (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۱۲-۲۰۰).

نسبت عقلانیت و سعادت

نسبت بین عقلانیت و سعادت در اندیشه مطهری به این صورت است که سعادت، غایت و جهت‌دهنده عقلانیت است (مطهری، ۱۳۹۸: ۳۳). در این چارچوب، عقلانیت ابزاری در خدمت تحقق سعادت قرار می‌گیرد که مبتنی بر تعالیم وحیانی و الهی است (مطهری، ۱۳۹۷: ۴۲). این رابطه دیالکتیکی منجر به شکل‌گیری تعریف خاصی از آزادی می‌شود که مطهری آن را به مثابه «رهایی از موانع داخلی (هواهای نفسانی) و خارجی» برای حرکت در مسیر شکوفایی فطرت و رسیدن به سعادت حقیقی تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۲).

دلالت برای مفهوم آزادی

از دیدگاه مطهری، آزادی حقیقی عبارت است از رهایی از قید و بندهای درونی مانند جهل، هواهای نفسانی و خودخواهی‌ها، و نیز موانع بیرونی مانند ظلم و استبداد (مطهری، ۱۳۹۸: ۴۱۹). این آزادی که می‌توان آن را «آزادی مثبت» نامید، در مقابل آزادی منفی میل قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۷: ۳۱۲). مطهری در کتاب «آزادی معنوی» تأکید می‌کند که آزادی منفی به تنهایی نمی‌تواند سعادت واقعی را برای انسان به ارمغان آورد، چرا که انسان ممکن است در بند تمایلات نفسانی خود باشد (مطهری، ۱۳۹۹: ۷۸). از نگاه وی، آزادی واقعی زمانی محقق می‌شود که انسان بتواند بر نفس اماره خویش غلبه کند و مسیر فطرت الهی خود را بیماید (مطهری، ۱۳۹۸: ۴۳). این دیدگاه مبتنی بر این پیش‌فرض انسان‌شناختی است که انسان دارای استعداد ذاتی برای رسیدن به کمال است و آزادی بستر شکوفایی این استعدادها را فراهم می‌سازد (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۱۹). از نگاه مطهری، آزادی نه تنها به عنوان یک حق اجتماعی، بلکه به عنوان یک مسئولیت اخلاقی و تکلیف دینی تلقی می‌شود (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۵۶). او معتقد است که جامعه اسلامی باید بستری فراهم کند که در آن افراد بتوانند استعدادهای فطری خود را شکوفا سازند و به سوی کمال حرکت کنند (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۱۵). در این انسان‌شناسی، آزادی بیان و اندیشه زمانی ارزشمند است که در خدمت کشف حقیقت و رشد معنوی باشد (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۰۸). به طور کلی، می‌توان گفت که مبانی انسان‌شناختی مطهری، مبتنی بر سه اصل اساسی است: اول، فطرت الهی انسان به عنوان جهت‌دهنده مسیر کمال؛ دوم، سعادت به معنای قرب به خداوند که غایت نهایی انسان است؛ و سوم، آزادی به عنوان بستر شکوفایی استعدادهای فطری و حرکت به سوی کمال (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۹). این سه اصل در کنار یکدیگر منظومه فکری منسجمی را تشکیل می‌دهند که در آن آزادی در خدمت تعالی معنوی و رشد اخلاقی انسان قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۸: ۵۸-۴۳). از این منظر، جامعه‌ای می‌تواند به سعادت واقعی دست یابد که در آن افراد از آزادی لازم برای شکوفایی استعدادهای فطری و حرکت در مسیر بندگی برخوردار باشند (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۴). این دیدگاه انسان‌شناختی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری اندیشه اسلامی معاصر داشته و به عنوان یکی از ارکان مهم فلسفه اسلامی در دوران مدرن باقی مانده است (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۱۰-۲۰۱).

طبقه‌بندی آزادی از سوی مطهری تحت عنوان «آزادی مثبت» از آن روست که آزادی نزد او، وسیله‌ای برای تحقق غایتی فراتر از خود آزادی، یعنی «شکوفایی فطرت الهی» و «قرب به خدا» است. استدلال مطهری این است که رهایی صرف از موانع بیرونی (آزادی منفی) اگر با رهایی از موانع درونی (هوای نفس) همراه نباشد، نه تنها به سعادت نمی‌انجامد، بلکه ممکن است به اسارت جدیدی بینجامد. بنابراین، آزادی حقیقی پاسخی است به این پرسش که «انسان باید آزاد باشد تا به چه چیزی برسد؟». معیار او برای سنجش آزادی، میزان قرب وجودی فرد به کمال مطلق و توانایی او در عمل بر طبق فطرت خویش است، نه صرفاً فقدان محدودیت‌های خارجی. در این نگاه، آزاری معنایی «ابزاری» و «غایت‌محور» دارد.»

تحلیل تطبیقی و واکاوی نسبت عقلانیت و سعادت

این تحلیل تطبیقی در بستر یافته‌های پژوهش‌های پیشین صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، تأکید شریفانی و معرفت (۱۴۰۱) بر تفاوت مبانی انسان‌شناختی به عنوان ریشه تمایز آزادی در اسلام و غرب، نقطه آغاز درستی است. این نوشتار با پذیرش این اصل، آن را به سطحی عینی‌تر می‌برد و نشان می‌دهد که این تفاوت انسان‌شناختی، چگونه در چیدمان متفاوت دو مفهوم عقلانیت و سعادت نسبت به یکدیگر و در نتیجه، در تعریف غایت آزادی («آزادی برای چه؟») تجلی می‌یابد. در حالی که میل آزادی را برای تجلی عقلانیت خودبنیاد می‌خواهد، مطهری آن را برای حرکت در مسیر سعادت فطری ضروری می‌داند.

در اینجا به مقایسه مستقیم «نسبت» بین این دو مفهوم کلیدی در دو نظام فکری پرداخته می‌شود. در بررسی شباهت‌ها، باید اشاره کرد که هر دو اندیشمند برای عقلانیت و سعادت جایگاه والایی قائلند و هر دو آزادی را شرط لازم برای تحقق این دو می‌دانند (Gray, 2019؛ مطهری، ۱۳۹۸). میل با تأکید بر نقش محوری عقلانیت در تعریف سعادت، آن را به عنوان شرط ضروری برای رشد و تعالی انسان معرفی می‌کند (Mill, 2021) و مطهری نیز با وجود تفاوت در مبانی، عقلانیت را به عنوان ابزار شناخت مسیر سعادت می‌ستاید (مطهری، ۱۳۹۷). هر دو متفکر بر این باورند که بدون آزادی، نه عقلانیت می‌تواند به رشد کامل دست یابد و نه سعادت محقق خواهد شد (Thompson, 2021؛ مطهری، ۱۳۹۹). همچنین هر دو بر نقش آموزشی و تربیتی آزادی تأکید

دارند و آن را بستری برای شکوفایی استعدادهای انسانی می‌دانند (Gray, 2019؛ مطهری، ۱۳۹۸). اما نقطه کانونی تحلیل در تفاوت‌های این دو دیدگاه نهفته است. نخستین تفاوت بنیادین در «جهت رابطه» بین عقلانیت و سعادت است. در اندیشه میل، عقلانیت ← سعادت قرار دارد، بدین معنا که سعادت محصول عقلانیت خودمختار و انتخاب‌های عقلانی فرد است (Mill, 2019). در این چارچوب، عقلانیت انسانی است که مسیر سعادت را تعریف می‌کند و مشخص می‌سازد چه چیزی برای انسان خیر و سعادت محسوب می‌شود (Thompson, 2021). در مقابل، در اندیشه مطهری، سعادت → عقلانیت است، یعنی عقلانیت خدمتگزار سعادت است که از پیش توسط وحی و شریعت تعریف شده است (مطهری، ۱۳۹۸). در این نگاه، عقلانیت در خدمت شناخت و تحقق سعادت قرار می‌گیرد که منشأ الهی دارد. تفاوت دوم به «منبع سعادت» مربوط می‌شود. برای میل، سعادت امری کاملاً تجربی و زمینی است که از طریق آزمون و خطا و تجربه‌های زندگی به دست می‌آید (Mill, 2021). سعادت در نگاه او محصول تعامل انسان با جهان مادی و اجتماعی است و در چارچوب امور دنیایی تعریف می‌شود (Gray, 2019). در مقابل، برای مطهری سعادت امری متافیزیکی و الهی است که ریشه در عالم غیب دارد و تنها در پرتو ایمان و عبادت تحقق می‌یابد (مطهری، ۱۳۹۹). سعادت واقعی از دیدگاه وی فراتر از مرزهای دنیای مادی است و به زندگی اخروی گسترش می‌یابد (مطهری، ۱۳۹۸). تفاوت سوم در «نقش دین» در این دو منظومه فکری نهفته است. در اندیشه میل، دین می‌تواند یک انتخاب شخصی باشد که فرد از طریق عقلانیت خود به آن می‌رسد (Mill, 2019). دین در نگاه او یکی از عناصر تشکیل‌دهنده سعادت فردی است که ممکن است برای برخی افراد انتخاب شود و برای برخی دیگر نه (Thompson, 2021). اما در اندیشه مطهری، دین ارائه‌دهنده چارچوب سعادت و کامل‌کننده عقل است (مطهری، ۱۳۹۷). دین نه یک انتخاب، بلکه حقیقتی است که مسیر سعادت واقعی را نشان می‌دهد و عقلانیت در پرتو آن به کمال می‌رسد (مطهری، ۱۳۹۹). تفاوت چهارم به «تأثیر بر آزادی» مربوط می‌شود. میل بر «آزادی از» (آزادی منفی) تأکید دارد که به معنای عدم دخالت دیگران در انتخاب‌های فردی است (Mill, 2021). در این نگاه، آزادی به معنای رهایی از قید و بندهای خارجی است که مانع انتخاب‌های عقلانی فرد می‌شوند (Gray, 2019). در مقابل، مطهری بر «آزادی برای» (آزادی مثبت) تأکید می‌ورزد که به معنای رهایی برای رسیدن به کمال و سعادت حقیقی است (مطهری، ۱۳۹۸). در

این دیدگاه، آزادی وسیله‌ای برای حرکت در مسیر شکوفایی فطرت الهی و تقرب به خداست (مطهری، ۱۳۹۷). این تقابل آزادی مثبت و منفی، که در کار شریفانی و معرفت (۱۴۰۱) نیز به آن اشاره شده، در اینجا نه به عنوان یک تفاوت انتزاعی، بلکه به عنوان دلالتی مستقیم و اجتناب‌ناپذیر از نسبت بنیادین بین عقلانیت و سعادت در هر نظام فکری ارائه شده است. این تفاوت‌های بنیادین منجر به شکل‌گیری دو الگوی متمایز از انسان آزاد شده است. در الگوی میل، انسان آزاد انسانی است که می‌تواند بدون مداخله دیگران، به انتخاب‌های عقلانی خود پردازد و مسیر سعادت خویش را تعیین کند (Mill, 2019). این انسان خودمختار و خودبنیاد، با تکیه بر عقلانیت فردی خود، خوب و بد را تشخیص می‌دهد و مسیر زندگی خویش را ترسیم می‌کند (Thompson, 2021). در مقابل، در الگوی مطهری، انسان آزاد انسانی است که از قید و بندهای درونی و بیرونی رها شده تا بتواند در مسیر فطرت الهی خود حرکت کند و به سعادت حقیقی دست یابد (مطهری، ۱۳۹۹). این انسان با تکیه بر عقلانیتی که در پرتو وحی هدایت می‌شود، مسیر کمال را می‌پیماید و به قرب الهی نائل می‌آید (مطهری، ۱۳۹۸). در نهایت، می‌توان گفت که این تفاوت‌ها ناشی از مبانی انسان‌شناختی متفاوت این دو اندیشمند است. میل با تکیه بر انسان‌شناسی سکولار و عقل‌بنیاد، عقلانیت انسان را محور تعریف سعادت قرار می‌دهد (Mill, 2021)، در حالی که مطهری با اتکا به انسان‌شناسی دینی و فطرت‌بنیاد، سعادت الهی را جهت‌دهنده عقلانیت می‌داند (مطهری، ۱۳۹۷). این تفاوت در مبانی، نه تنها بر تعریف آزادی، بلکه بر مفهوم شهروندی، جامعه مطلوب و غایت زندگی انسانی نیز تأثیر ژرفی گذاشته است (Gray, 2019؛ مطهری، ۱۳۹۹).

در یک جمع‌بندی نهایی باید توجه داشت که این تفاوت‌های بنیادین، تا حد زیادی ریشه در بستر فکری-اجتماعی متمایز دو متفکر دارد. میل در جامعه‌ای سکولار می‌اندیشید که دغدغه اصلی آن، حفظ فردیت در برابر استبداد اکثریت و مداخله حکومت به عنوان اصلی‌ترین موانع آزادی بود. در مقابل، مطهری در بستر یک جهان‌بینی دینی، علاوه بر موانع بیرونی، بندگی در برابر هوای نفس را به عنوان مانع درونی و اصلی سعادت انسان معرفی می‌کند. بنابراین، در حالی که تمرکز میل بر رفع موانع بیرونی («آزادی از») است، نگاه مطهری به رفع همزمان موانع درونی و بیرونی («آزادی برای») معطوف است. با وجود این تمایزات ساختاری، می‌توان نقاط نزدیکی نیز بین دو اندیشمند یافت. هر دو آزادی‌بیان و اندیشه را برای کشف حقیقت و پیشرفت جامعه

ضروری می‌دانند. همچنین، هر دو در این نکته هم‌رأیند که آزادی مطلق و بی‌قیدوبند وجود ندارد؛ میل آزادی فرد را تا جایی مجاز می‌داند که به دیگران آسیب نرساند و مطهری آن را با محدودیت‌های عقلانی و اخلاقی (و در چارچوب خود، شرعی) مقید می‌کند. این اشتراکات نشان می‌دهد که علیرغم داشتن مبانی کاملاً متفاوت، هر دو متفکر در پی تعریف یک آزادی مسئولانه هستند، اگرچه معیار و غایت این مسئولیت را به گونه‌ای اساساً متفاوت تعریف می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که نسبت میان عقلانیت و سعادت به عنوان دو مفهوم بنیادین، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به خوانش‌های متفاوت از آزادی در اندیشه جان استوارت میل و مرتضی مطهری ایفا می‌کند. در منظومه فکری میل، عقلانیت خودبنیاد انسانی جایگاه محوری دارد و به عنوان مسیری برای دستیابی به سعادت عمل می‌کند که خود فرد آن را تعریف می‌نماید. این نگاه که ریشه در انسان‌شناسی سکولار و عقل‌محور دارد، آزادی را عمدتاً در قالب «آزادی از» مداخله بیرونی (آزادی منفی) می‌فهمد، اما آن را به مثابه بستر ضروری برای تحقق «آزادی برای» شکوفایی فردیت و تعالی ظرفیت‌های عقلانی و اخلاقی انسان نیز در نظر می‌گیرد؛ شکوفایی که غایت آن دستیابی به سعادت مبتنی بر لذات کیفی والا و زندگی توأم با فضیلت است. در مقابل، در اندیشه مطهری که بر مبانی انسان‌شناسی دینی و فطرت‌محور استوار است، سعادت به مثابه غایتی متعالی و از پیش تعریف‌شده جایگاه مقدم را داراست و عقلانیت در خدمت شناخت و تحقق این سعادت الهی قرار می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش در پاسخ به پرسش اصلی مبنی بر نسبت عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی آزادی، نشان می‌دهد که این نسبت در اندیشه میل و مطهری دارای جهتی کاملاً متضاد است و این تضاد، تبیین‌کننده اصلی تفاوت در خوانش آنان از آزادی است. این پاسخ کلی، خود بر اساس پاسخ به سوالات فرعی تحقیق استوار است: در پاسخ به سوال اول مبنی بر تفاوت مبانی انسان‌شناختی، یافته‌ها نشان داد که انسان‌شناسی میل، سکولار و مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد ابزاری است، در حالی که انسان‌شناسی مطهری، دینی و فطرت‌محور است. این تفاوت بنیادین، زمینه‌ساز دو الگوی متمایز از نسبت عقلانیت و سعادت شد. در پاسخ به سوال دوم درباره جایگاه و

کارکرد عقلانیت در مسیر سعادت، تحقیق نشان داد که در اندیشه میل، عقلانیت مسیرساز سعادت‌زی زمینی است، اما در منظومه فکری مطهری، عقلانیت راهبری است که در خدمت سعادت‌زی متافیزیکی و از پیش تعریف شده حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، در یک سو «عقلانیت → سعادت» و در سوی دیگر «سعادت → عقلانیت» حاکم است. در پاسخ به سوال سوم درباره دلالت‌های این نسبت برای مفهوم آزادی، نتایج آشکار کرد که الگوی اول به طور طبیعی به «آزادی منفی» (آزادی از مداخله) به عنوان بستری برای عمل عقلانیت خودبنیاد منجر می‌شود، حال آنکه الگوی دوم، «آزادی مثبت» (آزادی برای شکوفایی فطرت) را به عنوان وسیله‌ای برای حرکت به سوی غایت الهی ضروری می‌سازد. در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که ترتیب و تقدم عقلانیت و سعادت در مبانی انسان‌شناختی، سرنوشت تفسیر از آزادی را رقم می‌زند. این چارچوب تحلیلی نه تنها علت ریشه‌ای تفاوت‌ها، بلکه زمینه‌های اشتراک مسئولیت‌پذیری در آزادی و نیز تفاوت در شناسایی موانع (بیرونی در میل؛ درونی و بیرونی در مطهری) را توضیح می‌دهد و گامی در جهت تعمیق گفت‌وگوهای میان‌فرهنگی درباره این مفهوم بنیادین برمی‌دارد.

فهرست منابع

- Burbury, Khashayar (2019), The Concept of Freedom in the Political Thought of John Stuart Mill and Herbert Spencer, *Quarterly Journal of Modern Humanities Studies*, (2) 2, 44-1.
- Hojjat Hatampouri, Hamzeh (2018), John Stuart Mill: Action-oriented or Rule-oriented Utilitarian? *Quarterly Journal of Philosophy and Wisdom*, (55) 14, 117-152.
- Sozanchi, Hossein (2004), Solving the Paradox of Freedom in the Thought of Martyr Motahari (RA), *Quarterly Journal of Public Opinion Studies*, (10) 3, 102-82.
- Shariat, Farshad (2017), Freedom as Discourse in Western Idealism, *Bi-Quarterly Scientific-Research Journal of Political Science*, Year 13, Issue 2 (26th Consecutive), 75-59.
- Sharifani, Mohammad and Marefat, Mohammad (1401), An analytical and comparative exploration of the types of freedom from the perspective of Islam and the West, *Quarterly Journal of Ethical Research*, Year 13, No. 2, 133-185.
- Abbasi, Farhad (2014), Freedom and its foundations from the perspective of Shahid Motahari, *Quarterly Journal of Public Opinion Studies*, Year 3, Issue 10, 75-59.
- Internet Encyclopedia of Philosophy (2021). "Mulla Sadra's Theory of the Soul". Retrieved from: <https://iep.utm.edu/sadra>
- Stanford Encyclopedia of Philosophy (2022). "John Stuart Mill". Retrieved from: <https://plato.stanford.edu/entries/mill>
- Rahimi, Ehsan, Zarei Matin, Hassan, Tavakoli, Abdullah, Yazdani, Hamidreza (2021), Explaining the framework of rationality based on Islamic teachings and its contributions to public administration, *Islamic Management Quarterly*, Volume 29, Issue 4, March, Pages 5-48

- Mirahmadi, Mansour (2015), Freedom and Justice in the Security School of the Islamic Republic of Iran, Volume 8, Issue 26, June
- Fathi, Zahra (2013) , Freethinking in Islamic Education from the Perspective of Martyr Motahari, Volume 21, Issue 19, September
- Avicenna, Hussein ibn Abdullah (2012), Al-Shifa (Theology), translated and researched by Mohammad Hussein Aghajani, Tehran: Soroush Publications.
- Motahari, Morteza (2018), Spiritual Freedom. Forty-fifth edition, Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2019), Man and Destiny, 38th edition, Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2019), Divine Justice, 48th edition, Tehran: Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2010), Man and Destiny, 39th edition, Tehran: Sadra Publications.
- Mill, John Stuart (2019), Utilitarianism. Translated by Ali Ghiasi, Tehran: Ney Publishing House.
- Mill, John Stuart (2021), On Freedom, translated by Mahmoud Sana'i, Tehran: Hermes Publications.
- Aristotle (2021). Nicomachean Ethics (Contemporary Edition). Translated by A. K. Smith. Cambridge: Cambridge University Press.
- Epicurus (2020). The Art of Happiness. Edited by J. Williams. New York: Penguin Classics.
- Gray, J. (2019). Mill on Liberty: A Defence. 3rd ed. London: Routledge.
- Jonas, H. (2021). The Phenomenon of Life: Toward a Philosophical Biology. Chicago: University of Chicago Press.
- Kant, I. (2019). Groundwork of the Metaphysics of Morals. Edited by P. Strathern. Oxford: Oxford University Press.
- Kant, I. (2020). Critique of Practical Reason. Modern Edition. New York: Harper Collins.
- Mill, J. S. (2019). Utilitarianism. Critical Edition. Edited by R. Gray. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mill, J. S. (2021). On Liberty (Contemporary Analysis). Edited by M. Thompson. London: Palgrave Macmillan.
- Novak, D. (2018). Aristotle's Theory of Reason: A Contemporary Interpretation. New York: Oxford University Press.
- Skorupski, J. (2020). Why Read Mill Today? London: Routledge.
- Strathern, P. (2019). Kant in 90 Minutes. London: Constable & Robinson.
- Thompson, M. (2021). Mill's Moral Philosophy: A Contemporary Interpretation. Cambridge: Cambridge University Press.
- Weber, M. (2020). Economy and Society. In: A. Giddens (Ed.), Classical Sociological Theory. 5th ed. London: Polity Press.
- Williams, J. (2020). Epicurus and the Art of Happiness. New York: Penguin Classics.